

بلند توپ را به نزدیک دروازه فرستاد و این توپ با کله یکی از خواهران به عمق دروازه فرستاده شد.

نیمه اول مسابقه با نتیجه ۲ بر صفر به نفع ایران پایان یافت. وقت استراحت این مسابقه به جای ۱۵ دقیقه ۴۵ دقیقه به طول انجامید. گویا چند خواهر ایرانی نماز قضایشان را مجبور بودند در رختکن استادیوم بخوانند. تماشاچیان اردنی از این تاخیر بسیار ناراحت بودند و مرتب سوت بلبلی می زدند.

نیمه دوم مسابقه با حمله تیم ایران آغاز شد و در عرض چند دقیقه سوریه ۳ گل دیگر از تیم ایران دریافت نمود. در دقیقه هشتم مسابقه سرپرست تیم ایران کاپیتان تیم خود را که بیشترین گل ها را به ثمر رسانده بوده بیرون خواند. گویا شوهر خانم از هتل زنگ زده و درخواست کرده بود که همسرش بلافاصله به هتل برگردد چون بچه نوزادشان در جایش خراب کاری کرده بود. کاپیتان تیم ایران غرغر کنان به همراهی یک زن چادری به سرعت استادیوم را ترک کرد.

ده دقیقه پایان مسابقه با شیوه دفاعی از سوی تیم خواهران اسلامی ایران ادامه یافت. در دقیقه هشتم و چهارم بازیکن زن تیم سوریه ضمن ربودن توپ از بازیکن ایرانی مقابل خود اشتباهالگد محکمی به وسط پای او زد و بازیکن ایرانی نقش بر زمین شد. همه هم و پچیچه در میان تماشاچیان در گرفت. داور مسابقه به سوی بازیکن ایرانی دوید. چند لحظه به او خیره شد و ناگهان تند و تند در سوتش دمید. او که دست هایش را در هوا تکان می داد یک کارت قرمز به بازیکن ایرانی نشان داد. صدای اعتراض تیم ایران و مری و سرپرست بلند شد و همه به دور داور حلقه زدند و می خواستند او را کتک بزنند. کمی بعد داور به همه آن ها کارت قرمز نشان داد و فریادکشان مدیر انتظامات استادیوم را صدا کرد. او به مدیر گفت که تیم ایران چند مرد را به جای زن قاطی تیم کرده و با حجاب اسلامی می خواسته این تقبل را بپوشاند. جر و بحث بین ایرانیان و مسئولین استادیوم بالا گرفت و بالاخره توافق شد که مردانی که در لباس زنان هستند از زمین بیرون بروند تا مسابقه ادامه پیدا کند و به روحیه ورزشی این مسابقات لطمه ای نخورد.

پنج دقیقه آخر مسابقه را تیم ایران با ۶ بازیکن باقیمانده به حالت دفاعی به پایان رساند و نتیجه ۵ بر صفر را حفظ نمود!

## خالی از شوخی

### بقیه از صفحه قبل

تیم ایران بلافاصله با تلفن دستی خود شماره ای را گرفت و ناگهان یک دسته زن با چادرهای کلفت و سیاه از گوشه استادیوم به داخل وارد شدند. گویا سرپرست تیم ایران می خواست در رقابت با تشویق کنندگان سوریه ای از قافله عقب نماند. کمی بعد داور سوت شروع مسابقه را کشید و توپ به حرکت درآمد. بازیکن خط حمله تیم ایران توپ را در اختیار گرفت و از سمت راست به سوی دروازه رفته و به یکی دیگر از خواهران پاس داد و او توپ را به دروازه کوبید. خط نگهدار پرچم را به علامت افساید بالا برد. ناگهان از کنار زمین مرد ریشو و زشتی به کمک داور نزدیک شد و زیر گوش او چیزی گفت. کمک داور پرچمش را تکان داد که یعنی اشتباه کرده و گل قبول است. زن های چادری ایرانی در کنار زمین سینه می زدند و می گفتند «مرگ بر آمریکایا، مرگ بر اسرائیل». سرپرست تیم ایران با دستپاچگی به میان آنها رفت و به آن ها گوش زد کرد که در یک مسابقه فوتبال هستند و نه تظاهرات.

مسابقه ادامه پیدا کرد. سوریه از جناح چپ حمله کرد. چند دقیقه بعد توپ بازیکن سوریه ای توسط یکی از بازیکنان تیم ایران گرفته شد. بازیکن سوریه با عصبانیت لباس و چارقد بازیکن ایرانی را چنگ و پنچول زد و روسری این خواهر کاملاً به عقب رفت. صدای سوت بلند شد ولی این سوت از داور نبود بلکه از طرف سرپرست تیم ایران بود. چند نفر به سرعت به زمین ریختند و انگار که می خواهند آتش را خاموش کنند با یک پتوی بزرگ سر و بدن بازیکن را پوشاندند تا نامحرمان تماشاچی آن را نبینند.

در دقیقه بیست و هفتم بازیکن ایرانی با یک شوت

**برای سفارش آگهی در این نشریه با شماره تلفن یا فکس**

**زیر تماس بگیرید:**

**Tel: (703) 503-6902**

**Fax: (703) 503-6904**